

توحید چیست؟



نویسنده: آکادمی مجازی باور مثبت

در کتاب توحید چیست مباحث زیر رو باهم بررسی می‌کنیم:

- ✓ توحید و یگانگی خداوند
- ✓ توحید به چه معناست؟
- ✓ مثال عملی برای درک بهتر معنای توحید
- ✓ خلاصه انواع توحید
- ✓ توحید در قرآن
- ✓ چگونه نگاه توحیدی ایجاد کنید؟
- ✓ اطلاعات دقیق‌تری از الوهیت، ربوبیت، ملوکیت
- ✓ بررسی چند باور اشتباه در توحید
- ✓ چطور خدا رو باور کنیم؟
- ✓ اشعار ناب توحیدی

توحید و یگانگی خداوند

اثبات توحید و اینکه توحید چیست بسیار مهمه در نگاه اول شاید این موضوع که خیلی از ما آدمها خدا را قبول داریم و میدونیم خدایی وجود داره یکی از موضوعاتی که همه ما تقریباً تمام و بیش با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم اما در این بین اینکه ما چقدر خدا را باور داریم؟ چقدر خدا را به عنوان خالق تمام و کمال این دنیا می‌دونیم؟

در کتاب توحید چیست شما به آگاهی‌های نابی در زمینه توحید و با عمل به این آگاهی‌ها در شمار افراد توحیدی قرار خواهید گرفت.

یکی از موضوعاتی که جای صحبت داره و همین اثبات توحید باعث شد که داخل کتاب توحید چیست درباره‌اش صحبت کنیم و بهم بگیم توحید به خدا یعنی چه و توحید واقعی به چه معنی است؟ اگر دوست دارید با این موضوع بیشتر داشته باشید تا آخر این کتاب توحید چیست با ما همراه باشید،

چون قراره در مورد این موضوع بیشتر باهاتون صحبت کنم داخل کتاب توحید چیست ما قراره با هم دیگه باورها و طرز فکریایی رو بررسی کنیم که باعث میشه ما به صورت واقعی توحید را درک کنیم و با یک ذهنیت درست به خالق مون نگاه کنیم.

توحید به چه معناست؟

توحید به معنای واقعی باور به خدا به معنای واقعی یعنی، چه شرایط خوب باشه چه شرایط خوب نباشه من خدا رو باور دارم من خدا را مالک میدونم و با این ذهنیت پیش میرم با این ذهنیت زندگی می‌کنم که این شرایط شرایطی نیست که بخواد من روز زندگیم رو توی یک روند اشتباه قرار بده،

مادامی که ما در شرایط مختلف قدرت رو به انسان‌ها واگذار می‌کنیم و در روند زندگیمون باور داریم که ما نمیتونیم نقشی داشته باشیم خدا نمیتونه کاری انجام بده ما شرایط مطلوبی را تجربه می‌کنیم و ناخواسته‌ها و تضادهای زیادی رو در زندگی من تجربه می‌کنیم.

برای درک بهتر وجود ناخواسته‌ها در زندگی شما پیشنهاد می‌کنیم درباره ارزش تضاد تحقیق کنید و برای درک بهتر ابتدا داخل گوگل جستجو کنید تا با آگاهی‌های وسیع‌تری زندگی رو پیش ببرید.



مثال عملی برای درک بهتر معنای توحید

برای اینکه به سؤال توحید چیست جواب مناسبی بدیم بزارید با یک مثال شروع کنیم شما یه کارخانه رو در نظر بگیرید و به این موضوع فکر کنید که قرار یه کارخانه رو راه اندازی کنید برای راه اندازی یک کارخانه ما سه پیش نیاز داریم سه قسمت مهم داریم که باید اونا رو حتماً در قسمت اصلی این کار قرار بدیم.

قسمت اول) طراحی کارخانه و چینش و پیاده سازی ایده‌ای که داریم بر روی کاغذ یعنی شکل دادن به یک ساختار است.

قسمت دوم) مالکیت یعنی ما باید بریم یک جایی خارج از شهر پیدا کنیم این ملک رو کجا بخریم برای اینکه اون ایده رو داخلش پیاده سازی کنیم.

قسمت سوم) مهم‌ترین قسمت اداره کردن این کارخانه که ما ساختیم داشتن یک برنامه برای خط تولید برای پرسنل و یک

مدیریت صحیح که باعث بشه این کارخانه که یک مسیر درست پیش بره و به خروجی مناسب برسد.

این مثال رو زدم که بگم خدا طراح و مالک دنیا است و هم این دنیا رو اداره می کنه از نگاه اول ما باید به این موضوع فکر کنیم که طراح سازنده و مالک این دنیا خداست.

ما اگر می خواهیم یک نگاه درست نسبت به خدا و یک توحید واقعی رو در زندگیمون تجربه کنیم باید خدا رو توی این سه تا جنبه قبول کنیم و بدونیم واقعاً هم خالق و هم طراح و هم مالک نهایی این دنیا خداست.

خلاصه انواع توحید

توحید ۵ مرتبه داره که آنها رو میشه به اقسام زیر دسته بندی کرد و به صورت مختصر هرکدوم رو با ذکر آیاتی توضیح میدیم که تشخیص انواع توحید برای شما آسان تر بشه که زیاد در این کتاب به انواع آن نمی پردازیم و توجه بیشتر به توحید هست و اینکه همه چیز را به خدا واگذار کنیم و قدرت رو در زندگیمون فقط از آن خداوند بدونیم.

۱. توحید ذاتی، که به یکتا بودن الله اشاره دارد **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** (اخلاص/۱) بگو او الله یگانه است.
۲. توحید صفاتی، به یگانگی صفات الله اشاره دارد **اللَّهُ الصَّمَدُ** (اخلاص/۲) الله بی نیاز است.



۳. توحید افعالی، اداره کردن جهان مختص خداوند است. **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (حمد/۴) مالک روز جزا است.**

۴. توحید تشریحی، خداوند قوانین جهان رو بنا نهاده است **إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ (یوسف/۴۰) حکم تنها از آن خدا است.**

۵. توحید عبادی، بندگی و عبادت مختص خداوند است **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (حمد/۵) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.**

توحید در قرآن

در ادامه سؤال توحید چیست به معنای توحید در قرآن می پردازیم این سه تا ویژگی رو که در بالا اشاره کردیم به راحتی میتونیم در آیه الکرسی مشاهده کنیم که خداوند به زیبایی توحید رو بیان میکنه و خودش رو به زیبایی معرفی میکنه که در ادامه متن آیه قرآن و ترجمه اون رو باهم بررسی می کنیم.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ (بقره/۲۵۵)

خداوند کسی است که جز او خدایی نیست، زنده پاینده است، نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران، آنچه در آسمانها و در زمین است از اوست، کیست که در نزد او، جز به اذن او، به شفاعت برخیزد، گذشته و آینده ایشان را می‌داند، و به چیزی از علم او احاطه و آگاهی نیابند مگر آنچه خود بخواهد، قلمرو علمش آسمانها و زمین را فراگرفته است، نگهداری آنها بر او دشوار نیست او بزرگوار و بزرگ است.

در این آیه به اولین ویژگی که می‌پردازد اینه که یگانگی خداوند که اصل و اساس هست تاکید میشه و بعد از اون به جاودانگی و پاینده بودن خداوند اشاره میکنه که همواره جاری و ساری هست این مسئله بسیار مهمه،

چون اکثر انسانها نگاهی که به خداوند دارن اینه که خداوند رو مته انسان تشبیه میکنن که احساس داره و احساسی عمل میکنه در صورتی که خداوند مجموعه از قوانین و نظامات حاکم بر جهان هستی است.

اما در اینجا به ادامه توحید چیست اشاره می‌کنیم که هر آنچه در آسمان و زمین است برای خداست و خداوند ارباب جهانیان است و کسی نمیتونه برخلاف قوانین عمل کنه و شفاعت شامل حالش بشه ما باید بر اساس قوانینی که خداوند بر زمین قرار داده عمل کنیم تا همواره زندگی پر از احساس خوب و حال خوب رو تجربه کنیم.



در قرآن یک سوره به اسم توحید نام گذاری شده و به زیبایی خداوند در چند آیه کوتاه این موضوع رو به زیبایی توصیف میکند که چه نگاهی به خداوند داشته باشیم و از چه گمان‌هایی پرهیز کنیم تا در مسیر درست هدایت قرار بگیریم.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) بگو او خداوند یگانه است (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) خداوند بی نیاز است (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) (نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است (۳))

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴) و او را هیچ کس هم‌تا نیست (۴)

به این چهار جمله فکر کنید و برداشت خودتون رو در پایین همین کتاب در قسمت نظرات برای ما بنویسید و درک خودتون رو از این جملات بیان کنید و با دیگر دوستان به اشتراک بگذارید تا احساس خوب رو بین همه تقسیم کنیم و آگاهی‌های بهتری رو بدست بیاریم.

همیشه قرآن رو در یک کلمه بگنجانیم اما اگه بشه قرآن رو در یک کلمه گنجانند اون کلمه توحید خواهد بود که خدارو یکتا

بدونیم و تسلیم خداوند باشیم که در قرآن از اسلام استفاده
میشه خیلی از مفسران و علمای مذهبی،



کلمه اسلام رو به معنی دین اسلام تفسیر و معنی کردند در
صورتی که اسلام در قرآن به معنی تسلیم فرمان خداوند بودن

بیان شده که درباره حضرت ابراهیم بارها بیان شده که ابراهیم مسلم بود به خداوند.

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ
إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (النساء/۱۲۵)

و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی نموده است و خدا ابراهیم را دوست گرفت (۱۲۵)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا
كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (آل عمران / ۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه حق گرای فرمانبردار بود و از مشرکان نبود (۶۷)

در آیات بالا به وضوح مشاهده می کنید که دین ملاک نیست و تسلیم خدا بودن معیار اصلی توحید هست و یکی از بندگان خوب خداوند که بارها خداوند به عنوان بنده توحیدی و تسلیم پروردگار ازش یاد میکند حضرت ابراهیم هست.

برای کسب اطلاعات بیشتر میتونید کلمه ابراهیم رو در نرم افزارهای قرآنی جستجو کنید و تعداد ۶۳ آیه خداوند درباره حضرت ابراهیم صحبت کرده و شما میتونید این آیات رو بررسی کنید تا درک بهتری از توحید و تسلیم پروردگار بودن پیدا کنید و حضرت ابراهیم رو الگوی توحیدی خودتون قرار بدین.



چگونه نگاه توحیدی ایجاد کنید؟

اولین نگاهی که درباره توحید باید برای خودمون بسازیم این نگاهه که خداوند خالق و ارباب جهان است یعنی تموم امور دنیا بدست خداوند در حال اجراست و کسی قدرتی نداره و صاحب قدرت و عظمت خداوند است.

اینکه بعضی انسان‌ها خالق بودن رو از ارباب بودن خداوند جدا میدونن و میگوین که این جهان رو خداوند خلق کرده ولی خداوند اینقدر بزرگ و با عظمت هست که به واسطه فرشتگانش نعمات رو به بندگانش عرضه میکنه و مشرکین زمان پیامبران این ادعا رو داشتن که بت‌ها شفیعان ما نزد الله هستن و بت‌ها به واسطه تقربی که به خداوند دارند نعمات و رزق و روزی رو بین بندگان تقسیم می‌کنند.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (يونس/ ۱۸)

و به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد و می‌گویند اینها نزد خدا

شفاعتگران ما هستند بگو آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند آگاه می‌گردانید او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند (۱۸)

در صورتی که خداوند هیچ تبعیضی بین خودش و دیگر بندگانش قائل نیست و به پیامبر می‌فرماید :

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره/۱۸۶)

و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند.

چون خداوند منحصر به فردی پس از اینکه ما بیاییم تقسیم کنیم این موضوع ریشه داشتن یک ساختار کاملاً اشتباه نسبت به خداست پس ما نمیتونیم هم بگیم خدا را قبول داریم هم تقسیم کنیم کارها رو بین خدا و بنده هاش،

پس برای این موضوع در قدم اول باید باور درست نسبت به این موضوع در خودمان ایجاد کنیم و قبول کنیم که این موضوع بر

میگردد به خداوند و قبول کردن خداوند در هر سه جنبه‌ای که به اون اشاره کردیم ابعاد سه گانه شرک و توحید رو شما میتونید در ابتدا و انتهای قرآن در سوره حمد و ناس مشاهده کنید.



www.pba1.com

اطلاعات دقیق‌تری از الوهیت، ربوبیت، ملوکیت

بعضی افراد خدا رو قبول دارن اما مته کسایی زندگی میکنن که خدا رو قبول ندارند و هیچ وجه اشتراکی اعمال و رفتارشون نداره پس چه فرقی داره کسایی که الله رو قبول دارن ولی زندگیشون مته کسایی هست که الله رو قبول ندارن؟ اینجا یه تلنگر به خودتون و زندگیتون بزنید که آیا الله رو قبول دارید اعمال و رفتارتون چه فرقی داره با کسایی که الله رو قبول ندارند؟

در بخش ربوبیت میایم ارباب‌هایی رو برای خودمون قرار میدیم ارباب فردی، ارباب حزبی، ارباب اداره و ... مصداق همون صحبتی هست که حضرت یوسف در زندان برای دوستانش بیان میکنه و ارباب رو اینطور به این زیبایی توصیف میکنه:

يا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
(یوسف/۳۹)

ای دو رفیق زندانیم آیا اربابان پراکنده بهترند یا الله یگانه مقتدر؟ (۳۹)

در واقع خداوند رو ارباب بدونیم و فقط از او تبعیت کنیم خیلی عملکرد بهتری خواهیم داشت نسبت به کسانی که به ربوبیت اعتقاد و باور درستی ندارند و اصلاً قبولش ندارند صرف اعتقاد داشتن خداوند و ارباب قرار دادنش گشایشی در زندگی ما حاصل نمیکنه.



ملوکیت در قرآن خیلی زیاد اومده ۲۰۶ بار با مشتقاتش ملک مالک و... به کار برده شده خداوند در قرآن خودشو ملک خطاب میکنه ولی از اونجایی که انسانها تا اسم پادشاه میاد یاد ظلم و زور میوفتن اینجا هم از این قاعده استفاده میشه.

خداوند توضیحات اضافه تری میده و میگه پادشاه حق (ملک الحق) یا پادشاه پاک (ملک القدوس) خودش رو معرفی میکنه پادشاهی که هیچگونه ناپاکی و زورگویی بهش نمیچسبه و در حقانیت و پاکی حکمرانی میکنه و بارها خداوند هم خودش رو مالک این جهان میدونه هم آخرت، که تحقیقات بیشتر رو به خودتون واگذار می کنیم یک راهنمایی هم در این زمینه سوره حمد آیه مالک یوم الدین است.

واژه " الله " بزرگترین کلمه قرآن هست که ۲۶۹۸ بار در قرآن تکرار شده و واژه " قال " با تمام مشتقاتش ۱۷۲۱ بار تکرار شده و واژه " رب " ۹۸۰ بار تکرار شده که سومین واژه پر تکرار و دومین اسم خداوند است که با الله بیشترین تکرار رو دارا می باشند.

الله به صورت معرفه اومده معلومه یعنی کی و به تنهایی همواره استفاده شده نه با ضمیر نه با اسماء نه با مضاف و مضاف الیه مخلوط نشده الله لایق پرستش هست و کلمه **رب** بر عکس **الله** همواره ترکیب شده مثل ربکم، ربکما، ربنا، رب المشرق و المغرب و... اومده و شناخت این دو اسم خداوند بسیار مهم هست .

مسئله ربوبیت لازمش اینه که در مناسکی معنا پیدا کنه و با من و شما معنا پیدا میکنه مصداق این جمله است که آقای محمدی معلم تو هست این جمله دو معنا داره یکی دلالت بر این داره که آقای محمدی معلم هست و دومین معنی اینه که شما شاگرد اون معلم هستید و وقتی در قرآن ربکم بیان میشه ابتدا ارباب بودن خداوند دلالت داره و گام بعدی **h**ینه که شما به وسیله خداوند اداره میشید.

خداوند برای اولین اسمی رو به پیامبر می آموزه **h**ینه که خدارو با چه صفتی بخوانند و بسیار موضوع مهمی است که خداوند در اولین آیه ی که بر پیامبر نازل میکنه درباره ربوبیت تاکید میکنه اما در یک آیه مارو به تفکر وا میداره.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (علق/۱)

بخوان به نام خدایی که آفریده است (۱)

حضرت ابراهیم بارها خداوند رو به این شکل میخونه

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (زُخْرَف/۶۴)

در حقیقت خداست که خود خدای من و خدای شماست پس او

را پرستید این است راه راست (زُخْرَف/۶۴)



www.pba1.com

که تحقیقات بیشتر در زمینه ربوبیت رو به شما واگذار می‌کنیم داستان حضرت موسی و حضرت یوسف و... رو میتونید در قرآن بخونید که چه اتفاقاتی افتاد برای حضرت موسی هنگام مواجه با فرعون، در سوره شعرا داستان حضرت موسی و حضرت ابراهیم رو بیان میکنه.

که چه درکی از رب العالمین داشتند جهان رو خداوند داره اداره میکنه و میتونید به سوره واقعه سوره ۵۶ قرآن بارها سؤالات مختلفی رو مطرح میکنه که آیا به آتش نگاه کردید؟ یا به آبی که می‌نوشتید دقت کردید؟

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (اعراف/۱۷۲)

و چون خدای تو زاد و رود بنی آدم را از پشت‌های ایشان برگرفت، و آنان را بر خودشان گواه گرفت [و پرسید] آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند چرا، شهادت می‌دهیم تا مبادا روز قیامت بگوئید ما از این [حقیقت] بی‌خبر بودیم.

بررسی چند باور اشتباه در توحید

در ادامه بزارید چند باور اشتباه رو نسبت به خدا و با همدیگه بررسی کنیم تا بدونیم ایراد کار کجاست؟ چرا ما وقتی که خدا رو قبول داریم و میدونیم که خدا هست خدا کمکمون نمیکنه؟ بزارید قبل از اینکه این باورها رو بررسی کنیم به این موضوع اشاره کنیم وقتی ما خدا رو به صورت واقعی درک کنیم وقتی به صورت واقعی توحید داشته باشیم حضور خدا رو در زندگی مون لمس می کنیم.

مادامی که ما با یک ذهنیت اشتباه خدا رو قبول داشته باشیم ما به صورت واقعی توحید رو نداشته باشیم اون وقت ما این بازخورد رو نداریم از این تفکر و ما خدا رو لمس نمی کنیم چون اگر قراره از باورمون نسبت به خدا این باشه که خدا هست اما قدرت نداره پس ما نمیتونیم وجود و قدرت خدا رو لمس کنیم چرا؟

چون قبلاً به موضوع اشاره کردم این دنیا یکسری قانون و نظامات داره یکسری نظم داره و بر اساس این قانون و بر اساس نظم پیش میره و اگر ما با این ذهنیت که قدرت دست خدا

نیست پیش ببریم و از خدا کمک بخواهیم چون دنیا باز خورد
ذهنیت ما و ساختار باوری ماست ما نمی توانیم به صورت واقعی
این قدرت خدارو داخل زندگیمون احساس کنیم.



این دقیقاً در حالی که قدرت رو از غیر خدا دریافت نمی‌کنیم و اگر ما خدا رو باور کنیم به صورت واقعی قدرت را می‌بینیم و حضورش را می‌بینیم .

باور اول) باور داریم خدا هست اما قدرت دست کسی دیگه است که دستور میده یه نفر دیگه هست که تعیین میکنه این زندگی و مسیر کجا بره؟

حالا بریم سراغ بررسی این باور ببینید وقتی ما خدا رو قبول داریم میدونیم خدا هست اما قدرت رو میدیم دست یه نفر دیگه، این دقیقاً نقطه که ما داریم خودمون رو با تموم وجود از خدا دور می‌کنیم اصلاً هیچ معنی نداره که ما یه نفر را قبول داشته باشیم اما قدرتی بهش ندیم.

دقیقاً اگه بخوام یه مثال بزنم میتونم این مثال رو بزنم شما فکر کنید میرید داخل یک مجموعه، داخل یک اداره و می‌خواهید که کاری انجام بدید و میدونید مالک اونجا کیه اما شما قدرت و مثلاً به پایین رده‌ترین فرد و مجموعه مثلاً آبدارچی و مجموعه می‌دید.

میگید من در حالی که میدونم مالک اینجا این فرد و کار من را فقط این فرد میتونه انجام بده اما چشم امیدم به عنوان فردی که پایینترین جایگاه را دارد اگر ما خدا را قبول داشته باشیم اما قدرت به بنده اش بدهیم و این تفکر را داشته باشیم که این زندگی دنیا توسط بنده هاش اداره اداره میشه دقیقاً همین کار را انجام می دهیم.



www.pba1.com

مادامی که ما این باور داریم که داریم این طوری زندگی می‌کنیم چون دنیا بازخورد باورهای ماست این باور رو در زندگی لمس می‌کنیم اگر همه دارن خوب زندگی میکنن همه دارن مسیر درستی را میرن و کسی نمی‌تونه توی مسیر خلل ایجاد کنه برای مسیر ما ایجاد میشه.

چون باورمون اشتباه است پس ما باید باور داشته باشیم که خدا هست و رب و فرمانده این دنیا خداست از همین حالا این باور رو جایگزین کنید که خداوند ارباب و مالک و اداره کننده جهانیه پس چشم امید و انتظارتون از خدا باشه و همواره قدرت رو به خدا بدین نه به بندهای خدا.

باور دوم) اینکه ما قبول داشته باشیم خدا هست اما این باور رو در کنارش داشته باشیم که یه نفر دیگه اداره تعیین میکنه فرد دیگه اداره میکنه این زندگی رو، در زندگی تموم ما آدم‌ها عوامل مختلفی وجود دارند که میتونن روی زندگی ما تأثیر بگذارند این عوامل از شرایط یک جامعه میتونه شروع بشه تا اتفاقیایی که در روند اجتماعی یا اقتصادی به وجود می‌آید،

نکته مهمی که می خوام بهش اشاره کنم اینه در سطح ممکن عواملی در بیرون از ما وجود داشته باشند که برای زندگی شخصی ما ناخواسته هستند و یه جورایی ما رو تحت فشار و تحت تأثیر قرار می دهند،



www.pba1.com

اما این نمیتونه یک عامل باشه یک دلیل باشه برای اینکه ما بیاییم قدرت را از خدا بگیریم ما بیایم این تفکر و این باور را داشته باشیم که خدا یه قسمتی رو اداره اداره میکنه و یه قسمتی از زندگی خارج از توانایی اداره خداست.

چطور خدارو باور کنیم؟

ما همیشه به این موضوع اشاره می‌کنیم وقت‌هایی در زندگی هست که یک انسان وارد زندگی ما میشه و یه قول‌هایی به ما میده وقتی این فرد وارد زندگی ما میشه یه احساس خوبی حضور امید و انگیزه در درون ما به وجود میاد.

می‌خوام بهتون بگم توی زندگی امیدتون رو، درآمدتون رو و موفقیتتون رو به بقیه گره نزنید بقیه انسان‌ها می‌توانند به من به تو کمک کنند و همراه باشند برای اینکه ما مسیر رو بهتر طی کنیم اما در اصل باید بیایم همه چیز رو در خدا پیدا کنیم و این احساس را انگیزه رو امید رو در درونمون نسبت به خدا ایجاد کنیم.

ما باید بدونیم که مالک نهایی دنیا و دنیاهاى ديگه خداوند و خالق اين دنيا به كسى كه به وجود آورده اين دنيا رو بازم خداوند پس اگر اميدى مى خوام داشته باشيم اگر نگاهى و انگيزه‌هاى مى خوام داشته باشيم بايد به خدا برگرده.

وقتى بتونيم اين سبك در زندگى پيش بگيريم وقتى بتوانيم در زندگى باور كنيم، نگاه كنيم مطمئناً توحيد رو به صورت واقعى در زندگى درك مى‌كنيم و همين درك كردن باعث ميشه كه حضور خدا را لمس كنيم و با ايمان بيشتري در زندگى ادامه بدويم.

براى بالا بردن قدرت ايمان در زندگيتون تلاش كنيد و روى ايمان و قدرت درون خودتون بيشتتر كار كنيد تا همواره در شمار افراد با ايمان بالا قرار داشته باشيد و به راحتى هر مسئله در زندگيتون براتون پيش بيايد به راحتى با قدرت ايمان بالا انجامش بدين.

اشعار ناب توحیدی

در این قسمت به اشعار زیبایی از شاعران که درباره توحید سروده‌اند باهم این اشعار رو بررسی می‌کنیم و خواندن چندباره این اشعار و تفکر درباره دیدگاهی که هر کدام از این شاعران دارند با خودتون صحبت کنید و به احساس زیبا برسید.

به نام خداوند جان و خرد
 کزین برتر اندیشه برنگذرد
 خداوند نام و خداوند جای
 خداوند روزی ده رهنمای
 خداوند کیوان و گردان سپهر
 فروزنده ماه و ناهید و مهر
 ز نام و نشان و گمان برترست
 نگارنده بر شده پیکرست
 به بینندگان آفریننده را
 نبینی مرنجان دو بیننده را
 نیابد بدو نیز اندیشه راه

که او برتر از نام و از جایگاه

فردوسی

همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

سنایی

خوشا آنان که الله یارشان بی
بحمد و قل هو الله کارشان بی
خوشا آنان که دائم در نمازند
بهشت جاودان بازارشان بی

بابا طاهر

خدایا جهان پادشاهی تو راست
ز ما خدمت آید خدایی تو راست
پناه بلندی و پستی تویی
همه نیستند آنچه هستی تویی
همه آفریدست بالا و پست

تویی آفریننده هر چه هست
تویی برترین دانش آموز پاک
ز دانش قلم رانده بر لوح خاک
خرد را تو روشن بصر کرده‌ای
چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
نبود آفرینش تو بودی خدای
نباشد همی هم تو باشی به جای

نظامی

چه هوایی ... چه طلوعی!
جانم...
باید امروز حواسم باشد
که اگر قاصدکی را دیدم
آرزوهایم را
بدهم تا برساند به خدا!...
به خدایی که خودم می‌دانم!
نه خدایی که برایم از خشم
نه خدایی که برایم از قهر
نه خدایی که برایم ز غضب ساخته‌اند!

به خدایی که خودم می دانم!
به خدایی که دلش پروانه ست...
و به مرغان مهاجر
هر سال راه را می گوید!
و به باران گفته ست
باغها تشنه شدند!...
و حواسش حتی
به دل نازک شب بو هم هست!
که مبادا که ترک بردارد!...
به خدایی که خودم می دانم
چه خدایی ... جانم!...

سهراب سپهری

سر بر شانه خدا بگذار تا قصه عشق را چنان زیبا بخواند
که نه از دوزخ بترسی و نه از بهشت
به رقص در آیی
قصه عشق، انسان بودن ماست
اگر کسی احساسات را نفهمید مهم نیست
سرت را بالا بگیر و لبخند بزن

فہمیدن کار ہر آدمی نیست...

احمد شاملو



www.pba1.com

پیش از اینها فکر می کردم خدا
خانه‌ای دارد میان ابرها
مثل قصر پادشاه قصه‌ها
خشتی از الماس و خشتی از طلا
پایه‌های برجش از عاج و بلور
بر سر تختی نشسته با غرور
ماه برق کوچکی از تاج او
هر ستاره پولکی از تاج او
اطلس پیراهن او آسمان
نقش روی دامن او کهکشان
رعد و برق شب صدای خنده‌اش
سیل و طوفان نعره توفنده‌اش
دکمه پیراهن او آفتاب
برق تیغ و خنجر او ماهتاب
هیچکس از جای او آگاه نیست
هیچکس را در حضورش راه نیست
پیش از اینها خاطرم دلگیر بود
از خدا در ذهنم این تصویر بود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین
خانه‌اش در آسمان دور از زمین
بود اما در میان ما نبود
مهربان و ساده و زیبا نبود
در دل او دوستی جایی نداشت
مهربانی هیچ معنایی نداشت
هر چه می پرسیدم از خود از خدا
از زمین، از آسمان، از ابرها
زود می گفتند این کار خداست
پرس و جو از کار او کاری خطاست
آب اگر خوردی، عذابش آتش است
هر چه می پرسی، جوابش آتش است
تا ببندی چشم، کورت می کند
تا شدی نزدیک، دورت می کند
کج گشودی دست، سنگت می کند
کج نهادی پای، لنگت می کند
تا خطا کردی عذابت می کند
در میان آتش آبت می کند

با همین قصه دلم مشغول بود
خوابهایم پر ز دیو و غول بود
نیت من در نماز و در دعا
ترس بود و وحشت از خشم خدا
هر چه می‌کردم همه از ترس بود
مثل از بر کردن یک درس بود
مثل تمرین حساب و هندسه
مثل تنبیه مدیر مدرسه
مثل صرف فعل ماضی سخت بود
مثل تکلیف ریاضی سخت بود
تا که یکشب دست در دست پدر
راه افتادم به قصد یک سفر
در میان راه در یک روستا
خانه‌ای دیدیم خوب و آشنا
زود پرسیدم پدر اینجا کجاست
گفت اینجا خانه خوب خداست!
گفت اینجا می‌شود یک لحظه ماند
گوشه‌ای خلوت نمازی ساده خواند

با وضویی دست ورویی تازه کرد
با دل خود گفتگویی تازه کرد
گفتمش پس آن خدای خشمگین
خانه‌اش اینجا است اینجا در زمین؟
گفت آری خانه او بی ریاست
فرش‌هایش از گلیم و بوریاست
مهربان و ساده و بی کینه است
مثل نوری در دل آینه است
می‌توان با این خدا پرواز کرد
سفره دل را برایش باز کرد
می‌شود درباره گل حرف زد
صاف و ساده مثل بلبل حرف زد
چکه چکه مثل باران حرف زد
با دو قطره از هزاران حرف زد
می‌توان با او صمیمی حرف زد
مثل یاران قدیمی حرف زد
می‌توان مثل علف‌ها حرف زد
با زبان بی الفبا حرف زد

می توان درباره هر چیز گفت
می شود شعری خیال انگیز گفت...
تازه فهمیدم خدایم این خداست
این خدای مهربان و آشناست
دوستی از من به من نزدیک تر
از رگ گردن به من نزدیک تر....

قیصر امین پور

گر خدا داری ز غم آزاد شو
از خیال بیش و کم آزاد شو
قوت ایمان حیات افزایش دهد
ورد «لا خوف علیهم» بایست
چون کلیمی سوی فرعون رود
قلب او از لاتخف محکم شود
بیم غیر الله عمل را دشمن است
کاروان زندگی را رهن است

اقبال لاهوری

جمع بندی کتاب و کلام پایانی

داخل کتاب توحید چیست تلاش کردیم که ریشه‌های باورهای شرک آلود رو از بین ببریم تا با برطرف کردنش با شناختنش بتوانیم برایش کاری انجام بدیم و خودمون رو از شرک و غیر توحیدی بودن آزاد کنیم و جز انسانهایی که کمتر باورهای شرک آلود دارن و بیشتر به توحید گرایش دارنند به شمار بیاییم.



توی قرآن خدا خیلی تاکید داره که رب به این دنیا خودشه و رب یعنی همون فرمانروا همون پادشاه و این رو باور کن تا بر اساس این باور بر اساس این ذهنیت اون اتفاقاتی که با این باور قراره برات بیفته رخ بده.

چون وقتی ما رب رو خدا بدونیم و قدرت رو فقط به خدا بدیم اونوقت عواملی که برای خیلی‌ها تأثیر گذاره برای ما تأثیرگذار نیست و به قول معروف خدا برامون خدایی میکنه امیدوارم داخل کتاب توحید چیست درک درستی از توحید به شما داده باشیم.

همیشه تلاشمون رو می‌کنیم که آگاهی‌هایی مناسب را با شما به اشتراک بگذاریم اگر موضوعی است اگر نکته‌ای هست و سوالی هست میتونید در قسمت نظرات همین کتاب با ما به اشتراک بگذارید.

بهترین‌ها رو براتون از خدا می‌خوام دوستتون داریم در پناه
حق
یا حق.